

بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان های ایران (۱۳۸۸-۱۳۷۹)^۱

نادر مهرگان^۲

حسن دلیری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۳

چکیده

بشر در اعصار تاریخ و از زمانی که زندگی جمعی را برای ادامه حیات خود برگزید، به صورت تلویحی و ناخودآگاه از سرمایه اجتماعی در پیشبرد بهتر اهدافش بهره برده است. اما امروزه اهمیت مفهوم سرمایه اجتماعی در بطن اقتصاد و اجتماع قرار گرفته است و جوامع برای پیشرفت و بعضاً جلوگیری از انحطاط، ناگزیر به شناخت چارچوب سرمایه اجتماعی و اثراتش در جامعه و استفاده از آن به عنوان راهکاری برای خروج از انحطاط و رکود هستند. در این میان، یکی از مهمترین اثرات و برهمکنش‌ها حاصل از سرمایه اجتماعی، ارتباطی است که میان آن و شاخصهای توسعه اقتصادی-اجتماعی وجود دارد. در این پژوهش، به دنبال آن خواهیم بود تا نوع تأثیر متقابلی را که سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان های ایران برهم خواهند داشت، شناسایی کنیم. برای رسیدن به این هدف، از روش خودرگرسیون برداری پانل دیتا (PVAR) برای دوره سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۸ استفاده کرده ایم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی دارای اثرات مثبتی بر توسعه انسانی در استان های ایران بوده و از سوی دیگر، توسعه انسانی نیز سبب خواهد شد تا لایه های سرمایه اجتماعی در استان ها شکل گرفته و تقویت شود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه انسانی، PVAR، خودرگرسیون برداری پانل دیتا

طبقه بندی JEL: O11, Z13

-
۱. مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با کد ۹۰۰۰۰۸۴۵ و با نام اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی است، که با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور در سال ۱۳۹۱ به انجام رسیده است.
 ۲. استاد گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا، همدان
 ۳. دکترای اقتصاد؛ عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
(نویسنده مسئول) eco.hassan.daliri@gmail.com

۱- مقدمه

بنیان‌های نوین اخلاق جامعه و مساله نظم و صلح، همان قدر که دغدغه سقراط بود، توسط شاگردان وی نیز پی‌گیری شد. افلاطون، «جمهوری» را مطرح کرد که در آن دوگانگی اخلاق فرد و حکومت رد شده بود. وی معتقد بود که «حکومت شبیه افراد خود است» و به این نتیجه رسیده بود که مطالعه و تحقیق درباره مساله اخلاق به‌عنوان جزئی از ساختمان اجتماعی، بهتر و آسانتر از آن است که مانند یک صفت شخصی مورد مطالعه قرار گیرد.

در فلورانس قرن ۱۶ نیز که بازتاب دهنده تاریخ بی‌ثباتی‌های جمهوری اعصار باستان و نیز ایتالیای عصر رنسانس- بر میراث افلاطون-بود، نیکولو ماکیاولی^۱ و چند تن از معاصران او، به این نتیجه رسیدند که موفقیت یا شکست نهادهای آزاد به ویژگی «شهروندان» یا «فضیلت‌شان» بستگی دارد (پاتنام^۲، ۱۳۸۰). از این رو می‌توان اذعان داشت که توجه به کنش‌های جمعی و ارتباطات مبتنی بر اعتماد، ریشه در اعصار تاریخ داشته است؛ ولی این مفهوم با مقاله هانیفان (Hanifan, 1916) تولد دوباره‌ای یافت و به سرعت جای خود را در علوم مختلف باز کرد.

سرمایه اجتماعی، یک مفهوم فرارشته‌ای است که به طور کلی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که در تمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها، جریان داشته و رفتار و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرمایه اجتماعی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: در یک نظام اجتماعی، تقابل میان کنشگران، پایه و اساس نظام به شمار می‌رود. بر مبنای کنش‌های هدفمند، این تقابل در راستای تأمین اهداف نهایی کنشگران است. تقابل در مبادلات دائمی کالا و خدمات بین افراد و گروه‌ها در هر شکل ساده‌ای از یک جامعه دیده می‌شود و این، جامعه را از یک طرف در تولید هنجارهای مشترک، هویت مشترک، اعتماد و اطمینان و از طرف دیگر، روابط اقتصادی قوی با یکدیگر متحد می‌سازد (Svendsen, 2000).

از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. به دیگر سخن، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. ادبیات سرمایه اجتماعی تا به حال، علاوه بر طراحی نظری این مفهوم، در پی آن بوده که اهمیت این روابط را از لحاظ تجربی نیز به اثبات برساند. در این میان، یکی از مهمترین اثراتی که سرمایه اجتماعی بر اقتصاد خواهد داشت، اثری است که بر شاخص‌های توسعه اقتصادی دارد. به عبارت دیگر، در چارچوب اقتصاد نهادگرا، یکی از مهمترین متغیرهای اثرگذار بر سیستم اقتصادی،

1. Machjaveli

2. Putnam

مقادیر شاخص‌های مربوط به نهادهای اجتماعی و اقتصادی سیستم می باشد. در کشورهای در حال توسعه ای همچون ایران، این امر زمانی مهمتر می شود که آگاه باشیم افزایش سرمایه اجتماعی می تواند به عنوان زیربنا و بستری برای بهبود بهره وری عوامل تولید، بهبود عدالت و توزیع درآمد بوده و باعث بهبود محیط کسب و کار و افزایش تولید نهایی کار و سرمایه گردد (دلیری، ۱۳۸۵؛ مویدفر و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین شناخت و ارزیابی نحوه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی در این کشورها بسیار حائز اهمیت خواهد بود. در همین راستا در این پژوهش، با بهره گیری از مدل‌های اقتصاد سنجی به دنبال آن خواهیم بود که میزان تأثیر سرمایه اجتماعی را بر یکی از مهمترین شاخصهای توسعه اقتصادی، یعنی شاخص توسعه انسانی بررسی نماییم.

۲- ادبیات موضوع

تا دهه ۱۹۹۰ عمده نظریه‌های توسعه، دیدگاه‌هایی بالنسبه سطحی نگر و حتی متناقض درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاستی آنها چندان قابل استفاده نبود^۱. البته این دیدگاه‌ها، در دهه ۱۹۷۰ جای خود را به نظریه‌های وابستگی^۲ و نظام جهانی^۳ داد. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی و سیاسی، سازوکار اصلی استثمار توسط سرمایه‌داران است. در این بین دیدگاه‌هایی همچون دیدگاه اجتماع گرایی^۴ نیز وجود داشتند که بر سودمندی و خودکفایی اجتماعات تأکید داشتند و جنبه‌های منفی تعهدات گروهی را دست کم می گرفتند و اهمیت روابط اجتماعی در ساختن نهادهای رسمی موثر و پاسخگو را نادیده می‌انگاشتند؛ اما پس از زمانی که واژه سرمایه اجتماعی وارد مباحث اقتصادی شد، اقتصاددانان کوشیدند تا با تبیین روابط متقابل بین سرمایه اجتماعی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی، نشان دهند که سرمایه اجتماعی و روابط مبتنی بر اعتماد، چگونه می‌تواند بر روی اقتصاد تأثیر بگذارد. کلمن که در سال ۱۹۸۸ از سرمایه اجتماعی یک تعریف کارکردی ارائه داده است، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی را از طریق سرمایه انسانی و توسعه سیاسی می‌داند. به اعتقاد وی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی مستقیم نیست، بلکه سرمایه

۱. بسیاری از مطالعات در این زمان نیز مخالف با اجتماعات و روابط اجتماعی به‌عنوان کلید توسعه بودند. ر. ک:

Moore, M. (1997) Societies politics and capitalists in developing countries: A literature survey; journal of development studies 33(3):287-363.

Escobar, A. (1995) Encountering development: The marking and unmarking of the third world; Princeton, N,J:Princeton university press.

2.Dependency theory

3.World system theory

4.Communitarian

اجتماعی ابتدا سبب تولید سرمایه انسانی و توسعه سیاسی (یعنی ایجاد نظامها و رژیمهای سیاسی کارآمد و پاسخگو) شده و سپس از طریق این دو، سرمایه اقتصادی را ایجاد می‌کند. فوکویاما (Fukuyama, F. 1997) تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه‌های اقتصادی را از طریق نظم اجتماعی حاصله از نظام هنجارها و نظم اخلاقی که سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند، می‌داند. به اعتقاد وی سرمایه اجتماعی، نظامی از ارزشها و هنجارهای اخلاقی را فراهم می‌سازد که به واسطه آن، جامعه از فروپاشی اخلاقی و مبتلا شدن به انواع انحرافات اجتماعی مصون می‌ماند و بدین ترتیب، سلامت اجتماعی جامعه سبب رشد اقتصادی خواهد شد.

پانتام نیز معتقد است که موفقیت‌های اقتصادی در جوامع دارای روابط خوب، بهتر از جوامعی با روابط ضعیف است (Putnam, R. 1993). در بین نظرات مختلف اقتصاددانان اجتماعی برای نشان دادن رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، چهار دیدگاه بارز وجود دارد:

اولین نظریه مربوط به دیدگاه اجتماع‌گرایان بوده که اعتقاد دارند سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اقتصادی خواهد داشت. به عبارت دیگر، طرفداران این نظریه تنها به بیان نقاط قوت سرمایه اجتماعی می‌پردازند و از نقاط ضعف آن چشم‌پوشی می‌کنند. اجتماع‌گرایان که نگاهشان به تعداد و فشردگی گروه‌هایی چون سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی در یک اجتماع معطوف است، بر این اعتقادند که سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر و هرچه بیشتر باشد، بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اجتماع دارد. به عبارت دیگر، طرفداران این نظریه تنها به بیان نقاط قوت سرمایه اجتماعی می‌پردازند و از نقاط ضعف آن چشم‌پوشی می‌کنند (دلیری، ۱۳۸۷). این دیدگاه با تأکید بر محوریت پیوندهای اجتماعی در کمک به فقرا برای تدابیر دفع مخاطرات و آسیب‌پذیری طبقه فقیر کمک مهمی به تحلیل فقر کرده است. نظریه اجتماع‌گرایی ضمناً به طور تلویحی قائل به این فرض است که اجتماعات هویتی همگن دارند که خود به خود همه اعضا را در بر می‌گیرد و به همه آنها سود می‌رساند ولی نوشته‌های مفصل درباره عدم برابری کاستها، محرومیت‌هایی که بر اقلیت‌های قومی تحمیل می‌شود و تبعیض جنسی یعنی پیامدهای منفی و غم‌انگیزی که اغلب تحت فشار جامعه ایجاد می‌شود، چیز دیگری می‌گویند (Narayan et al., 1999).

شواهدی که از جهان در حال توسعه در دست است، نشان می‌دهد که چرا صرف دارا بودن سطوح بالای همبستگی اجتماعی یا گروه‌های غیر رسمی، لزوماً به رفاه اقتصادی نمی‌انجامد. در گزارشی در کنیا برآورد فقر به طریق مشارکت جویانه^۱ وجود بیش از ۲۰۰ هزار گروه اجتماعی فعال در نواحی روستایی به ثبت رسیده است ولی اکثر این گروه‌ها، ارتباطی با منابع خارج از جامعه نداشتند و نمی‌توانستند سرنوشت تهیدستان را بهبود بخشند (Narayan and Nyamwaya, 1996).

1. Participatory poverty assessment

در بسیاری از ممالک آمریکای لاتین، بارزترین صفت گروه‌های مردم بومی را غالباً برخورداری از سطوح بالای همبستگی ذکر می‌کنند، ولی این مردم بومی از نظر اقتصادی جزء بی‌بهره‌گان‌اند؛ چون منابع قدرت و امکان دستیابی بدان را که شرط لازم عوض شدن بازی به سود محرومان است، در اختیار ندارند (Narayan et al., 1999).

هائیتی یکی از مصادیقی است که سرمایه اجتماعی «در سطح محلی، غنی است»، از سوی گروه‌های کشاورزان برای «تأمین نیروی کار لازم، دستیابی به زمین مزروعی، حفظ مشتری در بازار، ترویج کمک متقابل، تضمین حمایت در برابر مأموران دولت و عموماً تمهید وسایل غلبه بر ریسک به کار می‌رود». حتی با وجود این، گروه‌های مورد اشاره قادر نیستند بر اثرات فلج‌کننده استعمارگری، فساد «نزوای جغرافیایی، خارج بودن از صحنه سیاست، و قطبی شدن اجتماعی فائق آیند» (White and Smucker, 1998).

نظریه بعدی مربوط به دیدگاه شبکه‌ای^۱ است. در این دیدگاه سرمایه اجتماعی به دارایی‌هایی تعبیر شده است که در درون شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی وجود دارد و دستیابی به آنها از طریق عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر است. بنابراین شبکه‌های اجتماعی بزرگتر، متنوع‌تر و ناهمگن‌تر، صرفه‌های اقتصادی مثبت بیشتری برای افراد به دنبال خواهند داشت. نقطه آغاز تحلیل پیرامون این دیدگاه فرد است. در این روش، میزان دسترسی افراد به منابع مختلف و نوع ارتباطی که موجب دسترسی به این منابع شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (Lin, N. 2000). در این نظریه سعی می‌شود هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی به حساب آورده شود، اهمیت پیوندهای^۲ عمودی و همچنین پیوندهای افقی در بین مردم و روابط درونی فی‌مابین این قبیل هویت‌های سازمانی (منتج از این پیوندها) به‌عنوان گروه‌ها و بنگاه‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرند. این دیدگاه با بنا نهادن الگوی خود بر کاری از گرینوتر (Granovetter, M 1973)، می‌پذیرد که پیوندهای نیرومند «درون اجتماعی» به خانواده‌ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می‌دهد (Astone et al., 1999). این دیدگاه اما همچنین تأکید دارد که پیوندهای قوی افقی بدون پیوندهای ضعیف بین اجتماعی، از قبیل پیوندهایی که شکاف‌های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، طبقه، قومیت، جنسیت و شئون و موقعیت‌های اجتماعی- اقتصادی را در می‌نوردند، ممکن است به صورت مبنایی برای پی‌جویی منافع فرقه‌ای درآیند^۳. در نوشته‌های اخیر، اولی را سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و دومی را سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌نامند (Gittel et al., 1999).

1. The Networks View

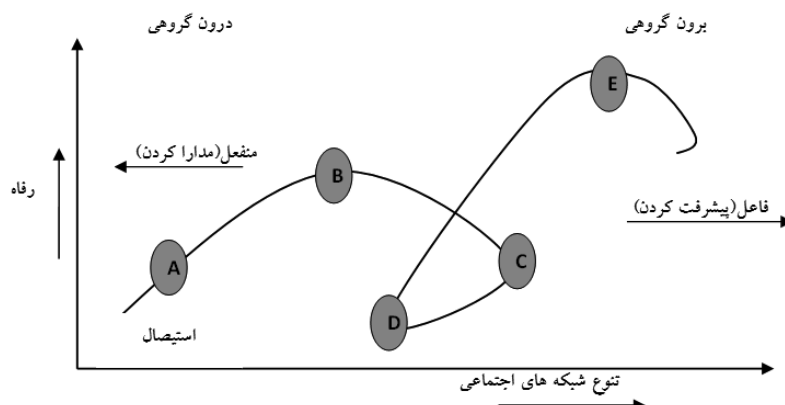
2. Associations

۳. این مفهوم همچنین توسط بانفیلد در سال ۱۹۵۸ تحت عنوان Amoral Familism و هیرشمن در سال ۱۹۵۸ تحت عنوان Group-Focused بیان شده است.

استدلال شده که ترکیب‌های مختلف این ابعاد سبب شکل‌گیری طیف پیامدهایی هستند که می‌توان به سرمایه اجتماعی نسبت داد. ویژگی برجسته این دیدگاه وجود دو خصلت برای سرمایه اجتماعی است: اول اینکه اعتقاد دارد سرمایه اجتماعی، یک شمشیر دو لبه است؛ یعنی می‌تواند طیفی از خدمات گرانبها برای اعضا جامعه تأمین کند. دومین ویژگی این دیدگاه آن است که اعتقاد دارد باید بین منابع و نتایج سرمایه اجتماعی و عوارض ناشی از آن تمایز قائل شد (Portes, A. and J. Sense Brenner. 1993).

گرینوتر (Granovetter, 1995)، اعتقاد داشت که توسعه اقتصادی از طریق ساز و کاری به وقوع می‌پیوندد که به افراد اجازه می‌دهد تا در ابتدا از مزیت عضویت در اجتماع خود بهره‌برداری کند، که همین سازوکار بعداً به او امکان می‌دهد تا مهارت‌ها و منابع لازم برای مشارکت در شبکه‌هایی را اخذ کند که از اجتماع آنها فرامی‌گذرد و بدین ترتیب، به تدریج به بدنه و جریان اصلی اقتصاد می‌پیوندد. با توجه به شکل (۱) می‌توان فرایند اثر گذاری نظریه شبکه‌ای را تشریح کرد. سرمایه اجتماعی در یک شبکه باعث ایجاد کارایی می‌شود و این کارایی عبارت است از هوشمندانه بودن برنامه‌های اعتبار معطوف به گروه، نظیر بانک معروف گرامین در بنگلادش^۱ (فان باستر، ۱۹۹۹). با توجه به شکل نقطه A نشان‌دهنده این حالت خواهد بود.

شکل ۱. سرمایه اجتماعی و گذار فقر



مأخذ: ولکاک و نارایان (Woolcock, M. and D. Narayan, 2000)

۱. این بانک به زنان فقیر روستایی که وثیقه مالی ندارند، براساس عضویت آنها در گروه کوچکی از زنان هم‌سن و سال وام می‌دهد. این وام به آنها کمک می‌کند تا در آغاز، کسب و کارهای کوچکی راه بیندازند یا به گسترش آن بپردازند و از این راه، رفاه خانواده‌های خود را بهبود بخشند.

ولی بازدهی اقتصادی هر گروه خیلی زود به سقف می‌رسد (نقطه B). این وضع بیشتر وقتی پیش می‌آید که اعضای گروه به بالا بودن درجه برخورداری از خصلت پیوند دهندگی سرمایه اجتماعی درون گروهی تکیه کنند. اگر گروه دچار ضعف شود (مثلاً در نتیجه ورود مهاجران جدید که متعاقباً وارد می‌شوند) و لذا رفاه افراد پرسابقه آن کاهش می‌یابد (نقطه C). به همین ترتیب، اعضای قدیمی برنامه‌های «معطوف به گروه» ممکن است به این نتیجه برسند که تکالیف و تعهدات آنها در قبال همکاران‌شان مانعی است بر سر راه پیشرفت هر چه بیشتر (Woolcock, 1998).

در این شرایط بسیاری از مردم فقیر خود را کم‌کم از وبال پیوندهای بی‌واسطه اجتماعی خلاص می‌کنند (نقطه D) و شبکه بالقوه متنوع‌تری می‌یابند که در آن سرمایه اجتماعی بین گروهی فراوان‌تر و فرصت‌های اقتصادی، نوید بخش‌تر باشد (نقطه E).^۱

در تحقیقات اخیر توسعه، دیدگاه شبکه‌ای فراوان به کار رفته و تأثیر زیادی بر جای گذاشته است. برای مثال کازل و پارکر (Kozel and Parker 2000) در تحلیل خود از جوامع فقیر نواحی روستایی شمال هند گزارش می‌دهند که کارکرد گروه‌های اجتماعی در بین روستاییان تهیدست در عرصه حمایت اجتماعی، مدیریت ریسک و همبستگی حیاتی است. برعکس فقرا، شبکه‌های گسترده‌تر و با پشتوانه‌تری در مقایسه با سایرین، برای کسب امتیازات راهبردی و پیشرفت منافع مادی به کار می‌برند. سومین نظریه مربوط به دیدگاه نهادی^۲ است. این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. برخلاف دیدگاه اجتماع‌گرا و شبکه‌ای که با سرمایه اجتماعی عمدتاً به‌عنوان متغیری مستقل برخورد می‌کنند که به ظهور پیامدهای گوناگون - اعم از خوب و بد - می‌انجامد، نگرش نهادی، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان متغیر وابسته تلقی می‌کند. استدلال طرفداران این رویکرد این است که خود ظرفیت گروه‌ها برای عمل کردن به خاطر نفع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است که تحت آن قرار دارند (North, D. 1990). به‌طور کلی این دیدگاه اعتقاد دارد که، فساد فراگیر، کندی آزاردهنده کار اداری، آزادی‌های مدنی سرکوب شده، نابرابری‌های گسترده، تنش‌های تفرقه‌انگیز قومی، و تضمین نداشتن حقوق مالکیت، اصلی‌ترین عواملی هستند که مانع رفاه اقتصادی جوامع‌اند. در ممالکی که مدرسه، بیمارستان، راه و دیگر زیرساخت‌های ارتباطی ساخته می‌شوند یا سرمایه‌گذاری‌های خارجی مورد تشویق قرار می‌گیرند (World Bank, 1997). به این ترتیب، سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی مدنی و دولتی، مکمل خوبی برای سرمایه‌گذاران در اشکال متعارف‌تر انباشت سرمایه است.

۱. مهاجرت از روستاها به شهرها بارزترین مثال این وضع است ولی تغییر نام دادن مهاجران آسیایی به نام‌های غربی که پورتس و سنسن‌برنر (1993) آن را مطرح کردند، در حال حاضر اساساً همان تأثیر را بر جا می‌گذارد.

2. The Institutional View

چهارمین نظریه مرتبط با دیدگاه همیاری^۱ است. این دیدگاه می‌کوشد آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. ایوانز (Evans, P 1992, 1995 & 1996) - از شارحان درجه یک این دیدگاه - نتیجه می‌گیرد که همیاری دولت و شهروندان مبتنی بر دو عامل مکمل بودن و اتکا است. منظور از مکمل بودن، روابط حمایتی دو طرفه بین کنشگران بخش دولتی و خصوصی است^۲ و منظور از اتکا، ماهیت گسترده پیوندهایی است که در بین شهروندان و مقامات دولتی برقرار می‌شود.

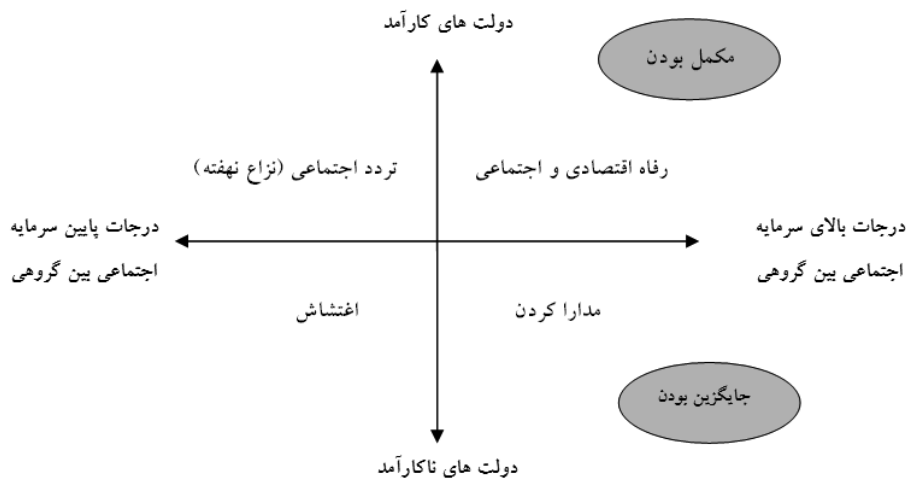
نارایان و همکاران (۱۹۹۹) نیز ایده‌های محوری سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و روابط دولت و جامعه را در هم آمیخته و با ادغام آنها پیشنهاد می‌کند که ترکیبات مختلف حکمرانی و سرمایه‌اجتماعی بین‌گروهی در یک گروه، جامعه محلی، یا جامعه، مداخلات متفاوتی را طلب می‌کند (شکل ۲). در جوامعی که از حاکمیت خوب و سطوح متعالی سرمایه‌اجتماعی بین‌گروهی بهره دارند، دولت و جامعه مکمل یکدیگرند و موفقیت اقتصادی و نظم اجتماعی محتمل الوقوع است. ولی هنگامی که سرمایه اجتماعی یک جامعه عمدتاً نصیب گروه‌های اولیه جامعه بشود که با یکدیگر ارتباط ندارند، گروه‌های قدرتمندتر به بهای به حاشیه راندن گروه‌های دیگر، بر دولت چیره‌گی می‌یابند. چنانچه این گروه‌ها توفیقی در این کار به دست آورند، ممکن است گروه‌های ضعیف از حقوق و منابعی که قبلاً از آنان دریغ می‌شد، نصیبی ببرند. بر همین قیاس، دولتی که آغوش می‌گشاید و بی‌پرده‌پل‌هایی برای ارتباط با گروه‌های محروم برقرار می‌کند، این احتمال را افزایش می‌دهد که تهیدستان بتوانند به منابع و خدماتی که حق برخورداری از آنها را دارند، دسترسی یابند.

دیگر اینکه، روابط دولت-جامعه ممکن است به انحطاط گراید و به‌صورت کشمکش، خشونت، جنگ یا هرج و مرج درآید - به بیان دیگر، فروپاشی و گسستی روی دهد که جنگ سالاران، مافیای محلی و جنبش‌های چریکی فرصت قبضه کردن قدرت دولتی و اقتدار ناشی از آن را به‌دست آورند (Woolcock and Narayan, 2000).

1. The Synergy View

۲. نمونه روشن آن چهارچوب‌های قانونی است که از حق ایجاد تشکل دفاع می‌کند و نمونه معمولی‌تر آن اتاق‌های بازرگانی است که موجبات تسهیل مبادله بین اصناف اجتماعی و گروه‌های تجاری را فراهم می‌آورند.

شکل ۲. رابطه بین نقش دولت و سرمایه اجتماعی



مأخذ: وولکاک و نارایان (Woolcock, M. and Deepa Narayan, 2000)^۱

۳- پیشینه مطالعات

در این بخش به صورت خلاصه به تعدادی از مطالعات مرتبط انجام شده در ایران که در باب ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بنا شده، اشاره خواهیم کرد.

مؤیدفر، دلیری و اکبری (۱۳۸۷) در مقاله خود به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شاخصهای توسعه اقتصادی در استان های ایران، با استفاده از الگوهای خود رگرسیون برداری به بررسی اثر متقابل و پویای سرمایه اجتماعی و شاخصهای توسعه اقتصادی با استفاده از سه شاخص سرمایه انسانی، بهداشت و سلامت و میزان توزیع درآمد برای اندازه گیری توسعه اقتصادی پرداخته و برای سرمایه اجتماعی از تعداد چکهای بلا محل به عنوان شاخصی برای نشان دادن فقدان سرمایه اجتماعی بهره گرفته اند. دوره زمانی مورد مطالعه مربوط به دوره پس از جنگ تحمیلی در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۸) بوده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی سبب می شود که شاخصهای توسعه بهبود یافته و در ادامه افزایش درجه توسعه یافتگی جوامع خود سبب بهبود و شکل گیری روابط جمعی مبتنی بر اعتماد (سرمایه اجتماعی) در جامعه خواهد شد.

۱. مکمل بودن مربوط است به تعامل بهینه دولت و بازارها در جامعه مدنی و منظور از جایگزین بودن آن است که مثلاً سازمانهای غیر رسمی جای دولت را بگیرند. در این حالت، نهادهای مزبور تصدی خدماتی را که به طور معمول از سوی دولت و نهادهای تأمین می شود، مصادره می کنند.

نظریه‌ور و منتظری مقدم (۱۳۸۹) در مقاله خود به بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر اسلام پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی بدون توجه به محیط و شرایط اجرای آن، ناقص است. بازنگری در مفهوم و شناخت دقیق اجزای آن با توجه به فرهنگ دینی و ملی جهت تبیین نقش سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه اقتصادی ضروری است. از آنجاکه شناسایی و کشف نماگرهای سرمایه اجتماعی از دید اسلام به‌عنوان نقطه عزیمت مطرح بوده، این مقاله درصدد است با تبیین مؤلفه مشارکت اجتماعی در اندیشه دینی، نقش آن را در فرایند توسعه اقتصادی با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا بررسی کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نقش ویژه نهاد مسجد در زندگی اجتماعی جوامع اسلامی کارکرد منحصر به فرد نهاد امر به معروف و نهی از منکر در نهادینه کردن نظام نظارت همگانی و نیز حضور آگاهانه مسلمانان در جهاد در راه خدا، در جهت خلق، تثبیت و تقویت مشارکت اجتماعی عمل کرده و مرز معینی میان نظریه متعارف و نظریه سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام ترسیم می‌کند.

قاسمی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی پرداختند. آنان اعتقاد دارند که سرمایه اجتماعی انواع مختلفی دارد و ضمن قبول اینکه سرمایه اجتماعی دارای تأثیر مثبتی بر توسعه است اما در پاره‌ای موارد می‌تواند دارای اثراتی سوء بر روند توسعه باشد. در این پژوهش با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای بوده و به توصیف تحقیقات گذشته می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش، حکایت از آن دارد که سرمایه اجتماعی درون گروهی بر اعتماد محدود و خاص تأکید دارد، موجب اختلال سازمانی و فرقه‌گرایی می‌شود و نتیجه آن عدم توسعه است. در مقابل، سرمایه اجتماعی برون گروهی با گسترش شعاع اعتماد، شکل‌گیری شبکه‌های روابط اجتماعی و مشارکت افراد در انجمن‌های داوطلبانه به فرایند توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای دیگر به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی برون گروهی بر توسعه اقتصادی پرداختند. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل ثانویه بوده و برای تدوین سازه‌ها از مراکز آمار ایران، مرکز پژوهش‌های بازرگانی، پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، شاخصهایی را انتخاب نموده و با استفاده از نرم افزار AMOS و مدل معادلات ساختاری، فرضیات تحقیق آزمون شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط منفی میان سرمایه اجتماعی برون گروهی و توسعه وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه سرمایه اجتماعی برون گروهی در استان‌های کشور بالاتر باشد، میزان توسعه اقتصادی آن استان کم می‌شود.

گروتاُرت و همکاران (Grootaert c. et al 2002) در مطالعه خود تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه» بیان می‌کند که مطالعات مقطعی بین‌کشوری حاکی از ارتباط قوی بین اعتماد و رشد است. در سطح روستاها مطالعات نشان می‌دهد که صداقت، وفاداری و همیاری در بین مردم

فقیر زیاد است و بسیاری از کاستی‌ها را پوشش می‌دهد. از آنجایی که سرمایه اجتماعی می‌تواند حقوق مالکیت را تضمین کند، گفته می‌شود که وجود سرمایه اجتماعی، در اغلب موارد به نفع ثروتمندان است، زیرا آنها دارایی‌های بیشتری برای از دست دادن دارند. همچنین آنها اشاره می‌کنند که یکی از مطالعاتی که در سطح خانواده صورت گرفته است نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی احتمال فقیر بودن یک خانواده فقیر را ۷,۳۶ درصد کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴ درصد افزایش می‌دهد. هم‌چنین یک تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که این عامل بیشترین تأثیر مثبت را بر فقیرترین خانوارها داشته است.

موناسیب (Munasib, 2007) با استفاده از داده‌های سنجش ارزش‌های جهانی در طی دوره ۲۰۰۲-۱۹۷۲ در بین افراد ۸۹-۱۸ سال به بررسی ارتباط بین سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی پرداخت. او اعتقاد دارد که افراد با تحصیلات بالاتر هزینه فرصت بالاتری در طی زمان دارند و این سبب می‌شود هزینه سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی برای آنان بالاتر باشد. اما در طی همان زمان، آنان به سود بالاتری ناشی از سرمایه اجتماعی خود می‌رسند و بنابراین خالص سود آنها بیشتر است. همچنین مشاهده می‌شود سطح بالاتر سرمایه اجتماعی سبب شده است که افراد با تحصیلات بالا میزان زیادتری سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی داشته باشند.

آنچورنا و همکاران (Anchorena, J. et al 2008)، در مقاله‌ای تحت عنوان «گروه‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی» با بهره‌گیری از مدل تعادل عمومی به بررسی تأثیر گروه‌های اجتماعی (شاخصی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی) روی توسعه اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که:

- ۱- ناهمسانی در تعداد گروه‌های اجتماعی می‌تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه کشورها شود.
- ۲- محاسبه انجام شده نشان داد که، کشورهای مورد مطالعه بدون وجود سرمایه اجتماعی تنها به ۱/۲ و ۳/۴ از میزان درآمد سرانه خود دست خواهند یافت.
- ۳- سرمایه اجتماعی می‌تواند کارایی سرمایه انسانی و با بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد.
- ۴- آنها اعتقاد دارند که، افزایش در بهره‌وری حتی می‌تواند سبب کاهش در رفاه شود. و این زمانی اتفاق می‌افتد که گروه‌های اجتماعی هماهنگ، با هم شکل بگیرد.
- ۵- گروه‌های اجتماعی که نشان دهنده سرمایه اجتماعی اند، می‌توانند سبب کاهش در هزینه مبادله شوند.

علاوه بر موارد فوق، بسیاری دیگر از مطالعات لاتین دیگر نیز بر ارتباط مثبت میان توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی صحنه گذاشته اند. برای مثال به مطالعات فوکویاما در سال ۲۰۰۲ با مطالعه اوگاندا، مارسل فافچامپس (Fafchamps 2005; 2006) در غنا، کنیا و زیمبابوه، مطالعات پاتنام برای اقتصاد

امریکا و ایتالیا (۱۹۹۳؛ ۲۰۰۰)، رز (Rose, 1998) برای اقتصاد روسیه، می توان اشاره نمود.

۴- روش تحقیق

در این پژوهش برای آزمون این فرضیه که آیا سرمایه اجتماعی قادر است بر روی شاخصهای توسعه انسانی مؤثر باشد، از روش پانل وار (خود رگرسیون برداری در داده های پانل) استفاده خواهیم کرد. لازم به ذکر است که براساس ساختار داده ها و مدل پانل وار، این سیستم معادلات برای ۳۰ استان به عنوان مقاطع و سری زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۸ به عنوان طول دوره برآورد خواهد شد. شاخص توسعه انسانی استانی برگرفته از محاسبات مربوط به معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری می باشد. ۱۷ شاخص را نیز برای محاسبه سرمایه اجتماعی در نظر می گیریم. سرانه قتل عمد (به عنوان نمادی برای انحراف اجتماعی و عدم وجود اعتماد عمومی در جامعه)، سرانه ایراد ضرب و جرح (به عنوان نمادی برای انحراف اجتماعی و عدم وجود اعتماد عمومی در جامعه)، سرانه ایجاد تخریب (به عنوان نمادی برای انحراف اجتماعی و عدم وجود اعتماد عمومی در جامعه)، سرانه اعمال منافی عفت (به عنوان نمادی برای انحراف اجتماعی و عدم وجود اعتماد عمومی در جامعه)، سرانه اختلاس و ارتشاء (به عنوان نمادی برای اعتماد در سطح میانی، اعتماد در معاملات و دارای تأثیر مستقیم بر هزینه مبادله در جامعه)، سرانه سرقت (به عنوان نمادی برای انحراف اجتماعی و بیانگر عدم وجود اعتماد عمومی در جامعه)، سرانه تصرف عدوانی و مزاحمت (به عنوان نمادی برای انحراف اجتماعی و نمایشگر عدم وجود اعتماد عمومی در جامعه)، سرانه صدور چک بلامحل (به عنوان نمادی برای نشانگر مقدار هزینه مبادله در معاملات و اعتماد با طرف معامله، اعتماد به سیستم بانکی (به عنوان نهاد عمومی)، سرانه دعاوی مربوط به موجه و مستأجر (به عنوان نمادی برای اعتماد به نزدیکان و آشنایان به عنوان سازنده سطوح میانی اعتماد، مؤثر بر هزینه مبادله)، سرانه ازدواج (به عنوان نمادی برای اعتماد در خانواده، مشارکت اجتماعی و صداقت)، سرانه طلاق (به عنوان نمادی برای مقدار عمق اعتماد در خانواده)، سرانه تماشاگران فیلم در سینما (به عنوان نمادی برای مشارکت از بُعد فرهنگی)، سرانه اماکن مذهبی (به عنوان نمادی برای مشارکت مذهبی، به عنوان یکی از مهمترین منابع سرمایه اجتماعی در ایران)، سرانه اعضاء کتابخانه (به عنوان نمادی برای مشارکت اجتماعی و میزان دسترسی به اطلاعات)، تعداد سرانه مراجعه به کتابخانه (به عنوان نمادی برای عمق مشارکت اجتماعی) و نسبت درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای عمومی استان (به عنوان نمادی برای اعتماد به دولت و مقدار مشارکت اجتماعی)^۱.

۱. البته پیش از این نیز سرمایه اجتماعی در کشور برآورد شده است (سعادت، ۱۳۸۶؛ مؤیدفر، ۱۳۸۵؛ مقصودی و همکاران؛ ۱۳۹۰ و ...)؛ اما به دلیل آنکه این مطالعات، سرمایه اجتماعی را به صورت داده های سری زمانی استانی

این شاخصها را براساس هر استان و هر سال بین صفر تا صد نرمال کرده و یکبار بدون وزن دهی و یکبار هم با استفاده از اوزان استخراج شده از تحلیل عاملی، دو شاخص سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کنیم. در انتها نیز مدل خودرگرسیون برداری پانل دیتا زیر را برای دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۸ و مقاطع مربوط به ۳۰ استان ایران برآورد خواهیم کرد:

$$SC_{it,z} = b_{10} + \sum_{j=1}^p \gamma_{schdi,j} HDI_{t-j,z} + \sum_{i=1}^p \gamma_{scg,i} G_{t-j,z} + \varepsilon_{1t}$$

$$HDI_{it,z} = b_{20} + \sum_{j=1}^p \gamma_{hdisc,j} SC_{t-j,z} + \sum_{j=1}^p \gamma_{hdig,j} G_{t-j,z} + \varepsilon_{2t}$$

$$G_{it,z} = b_{30} + \sum_{j=1}^p \gamma_{gsc,j} SC_{t-j,z} + \sum_{j=1}^p \gamma_{ghid,j} HDI_{t-j,z} + \varepsilon_{3t}$$

$$i = 1, \dots, n$$

$$j = 1, \dots, T$$

در این سری از معادلات، SC نشانگر مقدار شاخص سرمایه اجتماعی، HDI بیانگر مقدار شاخص توسعه انسانی، G نشان‌دهنده رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر تأثیرگذار اقتصادی در این مساله، \dot{a} بیانگر سری زمانی و Z نیز بیانگر مقاطع استانی و Z نشانگر تعداد وقفه‌های سری زمانی در متغیرهای مدل است.

۵- نتایج پژوهش

برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شاخصهای توسعه اقتصادی، ابتدا به مرور مهمترین شاخصهای آماری متغیرهای مدل می‌پردازیم. با توجه به جدول (۱)، می‌توان مقادیر میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر متغیرها را مشاهده نمود. با توجه به جدول می‌توان مشاهده نمود که میانگین سرمایه اجتماعی با اعمال ضرایب عاملی، کمتر از سرمایه اجتماعی تجمیعی می‌باشد، اما انحراف معیار سرمایه اجتماعی حاصل از تحلیل عاملی کمتر از سرمایه اجتماعی تجمیعی می‌باشد. در شاخص توسعه انسانی نیز استان‌های ایران دارای میانگین ۰/۷۲ در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۸ بوده‌اند.

اندازه‌گیری نکرده‌اند، از این رو در این پژوهش قابل استفاده نیستند. شاخص محاسبه شده سرمایه اجتماعی در این پژوهش، برای استفاده محققان در پیوست آمده است.

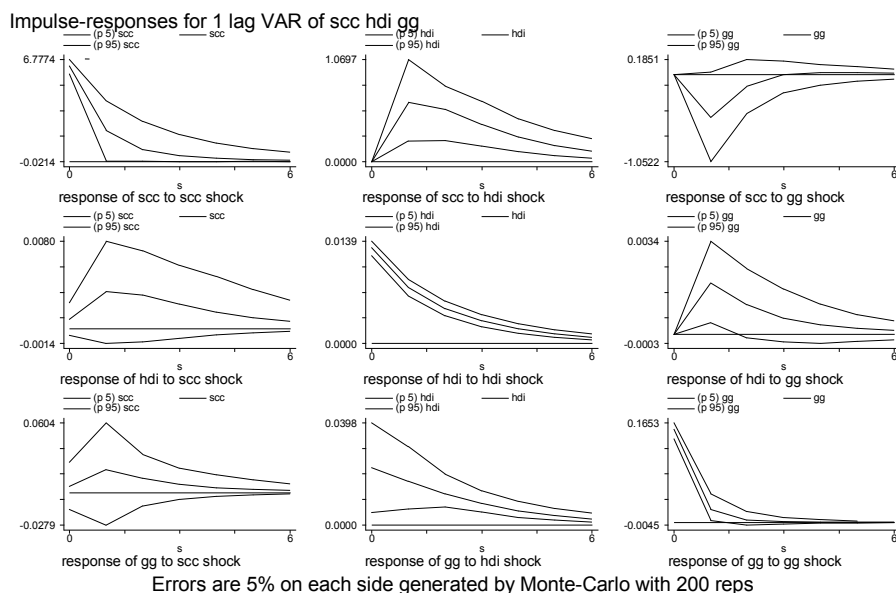
جدول ۱. نماگرهای آماری از شاخصهای پژوهش

شاخص	نوع	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
توسعه انسانی	کلی	۰/۷۲۴۳۶	۰/۰۵۲۹۵	۰/۴۹۵	۰/۸۵۴
	میان گروه	۰/۰۳۴۳۲	۰/۰۶۲۰۵۵	۰/۸۰۳۶۱	۰/۷۹۴۶۴
	درون گروه	۰/۰۴۰۷۵	۰/۵۹۸۸۱		
رشد اقتصادی	کلی	۰/۱۹۵	۰/۱۶۵۳۴	-۰/۸۷۸۷	۱/۸۳۹۱
	میان گروه	۰/۰۵۶۲۹	۰/۰۹۲۵۳	۰/۴۰۴۲	۱/۶۲۹۸۸
	درون گروه	۰/۱۵۵۷۶	-۰/۷۷۷۳		
سرمایه اجتماعی (عاملی)	کلی	۳۴/۸۹۲	۱۰/۷۸۵۵	۲/۴۷۱۵	۵۹/۰۳۲
	میان گروه	۸/۴۹	۱۲/۱۳۱	۵۰/۷۴۹	۶۵/۳۱۵
	درون گروه	۶/۸۱۲۹	۱۷/۴۶۹		
سرمایه اجتماعی	کلی	۵۱/۹۹۲	۱۳/۲۲۱	۱۴/۷۶۹	۸۰/۸۸۸
	میان گروه	۱۱/۳۰۵	۲۱/۰۸۷	۷۱/۶۲۴	۸۷/۳۷۲
	درون گروه	۷/۱۲۹۸	۳۱/۵۲۹		

با توجه به کوتاهی سری زمانی مورد مطالعه، براساس اعتقاد گرین (Green, W 2001)، نیازی به انجام آزمون‌های ریشه واحد نمی‌باشد. البته انجام موردی این آزمون‌ها نیز حکایت از مانایی متغیرهای مدل دارند. در ادامه باید مدل‌های خودرگرسیون برداری پانل دیتا را برای استان‌های ایران برآورد نماییم. در اولین مرحله برای برآورد مدل از شاخص سرمایه اجتماعی بدون اعمال ضرایب مربوط به تحلیل عاملی استفاده می‌کنیم. با توجه به خروجی نمایش داده شده در شکل (۳) می‌توان مشاهده نمود که بروز یک شوک در سرمایه اجتماعی سبب خواهد شد تا توسعه انسانی در استان‌های ایران به صورت صعودی افزایش یابد. به عبارت دیگر، افزایش سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران سبب خواهد شد توسعه انسانی در استان‌های ایران بهبود یابد. به گونه‌ای که این افزایش در سالهای ابتدایی به صورت شتابدار بوده و به سرعت تأثیر خود را بر مقادیر شاخصهای توسعه انسانی در جامعه خواهد داشت.

پس از آن، با توجه به وجود تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی، اما دیگر این تأثیرها شتابدار نبوده و سرمایه اجتماعی به صورت ملایم سبب افزایش شاخص توسعه انسانی خواهد شد.

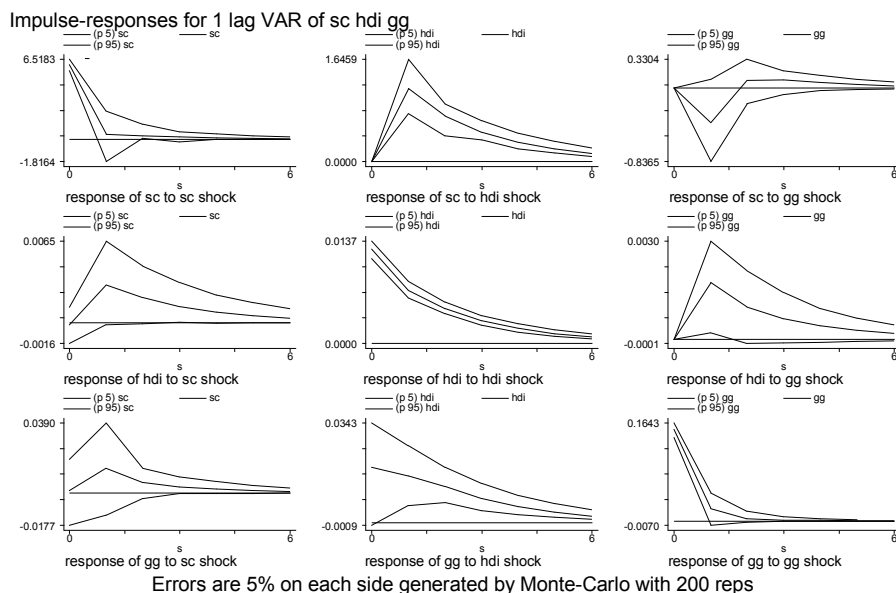
شکل ۳. خروجی حاصل از برآورد مدل خودرگرسیون برداری پانل دیتا برای سرمایه اجتماعی



در بخش‌های بعدی با استفاده از خروجی حاضر نیز قادر به مشاهده نتایج مفیدی هستیم. به نوعی که مشخص است، بروز شوک در توسعه انسانی سبب افزایش چشمگیر سرمایه اجتماعی در جامعه خواهد شد. به گونه ای که در اینجا نیز این افزایش در ابتدا شتابدار بوده و در ادامه به صورت ملایم ادامه خواهد یافت و همچنان توسعه انسانی تأثیر مثبت خود را در شکل گیری سرمایه اجتماعی در جامعه خواهد داشت. نتایج حاصل شده در این پژوهش هم راستا با تحقیقات داخلی در مورد ارتباط میان سرمایه اجتماعی و متغیرهای موردی توسعه اقتصادی همچون سرمایه انسانی، رشد اقتصادی، توزیع درآمد می‌باشد (مؤیدفر و همکاران، ۱۳۸۷).

علاوه بر این مورد، می‌توانیم میزان تأثیر سرمایه اجتماعی حاصله از روش تحلیل عاملی را بر شاخص‌های مورد نظر توسعه اقتصادی بسنجیم. با توجه به شکل (۴)، می‌توان دریافت که در اینجا نیز بروز شوک در سرمایه اجتماعی، سبب بهبود شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران خواهد شد. همان‌گونه که در شکل قابل مشاهده است، در اینجا نیز بروز شوک در سرمایه اجتماعی سبب خواهد شد تا در ابتدا مقدار شاخص توسعه انسانی به صورت شتابدار رشد کرده و پس از آن، با حفظ اثرات مثبت بر توسعه انسانی، حرکت شتابدار تبدیل به روندی ملایم می‌شود. بنابراین به صورت روشن می‌توان دید که سرمایه اجتماعی دارای اثرات مثبت بر شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران می‌باشد.

شکل ۴. خروجی حاصل از برآورد مدل خودرگرسیون برداری پانل دیتا برای سرمایه اجتماعی با ضرایب عاملی



در ادامه نتایج نیز می‌توان مشاهده نمود که در اینجا نیز افزایش شاخص توسعه انسانی سبب خواهد شد تا مقدار سرمایه اجتماعی در استان های ایران به صورت شتابدار افزایش یابد. از این رو، بروز شوک در توسعه انسانی جوامع سبب خواهد شد تا سرمایه اجتماعی بهبود یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی در جامعه ایران می‌تواند با تأثیر در ساختار اقتصادی اجتماعی جامعه سبب بهبود شاخصهای توسعه انسانی و زیرشاخه های اصلی آن همچون درآمد، سرمایه انسانی و سلامت در کشور گردد.

متغیر سرمایه اجتماعی در بعد اقتصادی با کاهش هزینه مبادله و در بعد اجتماعی با افزایش سطوح اعتماد و گروه‌های اجتماعی، بستر لازم را برای پیشرفت جامعه از لحاظ فرهنگی و اقتصادی فراهم آورده و از این طریق قادر خواهد بود تا جامعه را به سمت توسعه پایدار سوق دهد.

۶- جمع‌بندی

در این مقاله و با استفاده از روش پانل وار برای استان های ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۸، به این نتیجه رسیدیم که سرمایه اجتماعی می‌تواند بر توسعه انسانی در استان های ایران مؤثر باشد. از آنجایی که شاخص توسعه انسانی متشکل از زیربخش‌های سلامت، آموزش و تولید سرانه است، می‌توان اذعان داشت که نتیجه حاضر هماهنگ با بسیاری از مطالعات مرتبط و پیش‌بینی‌های نظری می‌باشد.

به‌گونه‌ای که سرمایه اجتماعی و سلامت آنچنان روابط نزدیکی دارند که تعدادی از اندیشمندان حتی برای تعریف سرمایه اجتماعی از آن استفاده کرده‌اند. برای مثال کاواچی و کندی (۱۹۹۷) معتقد بودند سرمایه اجتماعی میزان همگونی توزیع سلامت در نواحی جغرافیایی یک منطقه است (Kawachi and Kennedy, 1997). پاتنام ۴ دلیل برای ارتباط سرمایه اجتماعی و بهداشت را برشمرده است:

۱- او اعتقاد دارد که شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مساعدت مادی ملموسی را فراهم کنند که باعث کاهش اضطراب می‌شود.

۲- این شبکه‌ها می‌توانند هنجارهای بهداشت را تقویت کنند.

۳- اینها بهتر می‌توانند برای استفاده از خدمات درمانی اعمال نفوذ کنند.

۴- تعامل می‌تواند به تحریک سیستم ایمنی بدن کمک کند (Putnam, 2000:327).

رابطه میان سرمایه اجتماعی و سطوح آموزش در جامعه نیز دارای قدمت و قدرت بالایی است. این رابطه به‌گونه‌ای است که وجود سرمایه اجتماعی بالاتر می‌تواند موجب تقویت سرمایه انسانی و سطوح آموزش شود؛ به طوری که سرمایه اجتماعی بالاتر سبب افزایش تعامل‌های مثبت بین افراد شده و از این طریق، سبب افزایش در یادگیری و ارتقا مهارت در آنها می‌شود (Falk, 2000).

سرمایه انسانی بالاتر نیز می‌تواند سبب افزایش میزان سرمایه اجتماعی گردد (Falk and Kilpatrick, 2000). علاوه بر این، عکس این حالت نیز بارها اتفاق افتاده است، به نوعی که سرمایه اجتماعی بالاتر نیز توانسته است سبب ارتقاء شاخصهای آموزش و سرمایه انسانی شود.^۱ در مورد ارتباط میان تولید و سرمایه اجتماعی نیز در بسیاری از تحقیقات، نوع این رابطه تبیین شده است (رنانی و دلیری، ۱۳۸۸) و ارتباط مثبت میان آنها در بسیاری از تحقیقات داخلی نیز هویدا شده است (سوری، ۱۳۸۳؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ رنانی و دلیری، ۱۳۸۸ و ...).

بنابراین می‌توان از نتایج حاصل از این پژوهش دریافت که ارتباط مثبتی میان سرمایه اجتماعی و شاخص توسعه انسانی در میان استان‌های ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۸ وجود داشته است. از این رو، باید توجه ویژه‌ای به سطوح سرمایه اجتماعی و آماده‌سازی فرهنگ جامعه برای تقویت سطوح اعتماد و مشارکت افراد شود که این امر می‌تواند دلیل مهمی برای کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش سطوح توسعه در کشور باشد.

۱. مطالعات زیادی به بیان رابطه مستقیم بین سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی تأکید دارند که می‌توان اشاره کرد به: Bourdieu (1986); Coleman (1994); Teachman et al. (1997); Astone et al. (1999); Chou ; Bjornskov (2004); Falk and Kilpatrick (2000); Grootaert and Swamy (2000)؛ Soumyanananda (2007)؛ (2006)؛ در ایران نیز سوری (۱۳۸۴) نشان داد که رابطه مثبتی بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی در ایران برقرار است.

منابع و مأخذ

- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) دمکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)؛ ترجمه محمد تقی دلفروز؛ تهران: نشر سلام.
- رنانی، محسن و حسن دلیری (۱۳۸۹) اثر سرمایه اجتماعی روی رشد اقتصادی: تبیین چارچوب نظری، مطالعه موردی استان‌های ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۴)؛ سیاست‌گذاری اقتصادی (کاوشهای اقتصادی سابق)، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۶۰-۲۵.
- رنانی، محسن؛ حسن دلیری و رزیتا مؤیدفر (۱۳۸۸) نقش منابع معرفت و هویت در تشکیل سرمایه اجتماعی؛ رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۴۱-۱۰۵.
- سعادت، رحمان (۱۳۸۶) تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها؛ رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۹۶-۱۷۳.
- سوری، علی (۱۳۸۳) سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۹، صص ۸۷-۱۰۷.
- سوری، علی و نادر مهرگان (۱۳۸۶) نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی؛ پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۴۲، صص ۲۱۹-۲۰۷.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن؛ ترجمه غلامعباس توسلی؛ تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- قاسمی، وحید؛ کریم آذربایجانی؛ مهدی ادیبی و خالد توکلی (۱۳۹۰) بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه اقتصادی در استان‌های ایران؛ راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، صص ۲۴۳-۲۷۰.
- قاسمی، وحید؛ کریم آذربایجانی؛ مهدی ادیبی و خالد توکلی (۱۳۹۰) رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی؛ رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶، صص ۶۱-۲۷.
- مؤیدفر، رزیتا؛ نعمت‌الله اکبری و حسن دلیری (۱۳۸۸) بررسی اثر متقابل و پویای سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه اقتصادی در ایران؛ مطالعات اقتصاد بین‌الملل، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۵، شماره دوم دوره جدید، صص ۳۸-۲۱.
- Anchorena, Jose and Fernando Anjos (2008) Social Ties and Economic Development; Working Paper, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1123767>
- Astone, N.M, Constance Nathanson, Robert Schoen, and Young Kiin, (1999), "Family Demography, Social Theory, and Investment in Social Capital", Population and Development Review, Vol. 25(1), PP.1-31.
- Bjornskov, Christian (2004), "Social Capital and The Growth Human Capital", Aarhus School of Business, Prismet, Silkeborgvej2, Denmark.
- Bourdieu, Pitter (1986), The Form of Capital, PP. 241-58 in J. G. Richardson (ed), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education,

- Greenwood Press, New York.
- Chou, K. Yuan (2006), "Tree Simple Models of Social Capital and Economic Growth", the Journal of Socio-Economic, Vol. 35, PP. 889-912.
- Coleman, J. S. (1988) Social Capital in the Creation of Human Capital; American Journal of Sociology, Vol. 94: S95-S120.
- Coleman, J. (1994), Foundation of Social Theory, Belknap Press, Cambridge MA.
- Evans, P. (1996) Government Action, Social Capital and Development: Reviewing the Evidence on Synergy; World Development, Vol. 24: 1119-32.
- Falk, I. & Kilpatrick, S. (2000) What is Social Capital? A Study of Interaction in Rural Community; European Society Rural Sociology Sociological Rurals, Vol. 40.
- Falk, I. (2000) Human Capital and Social Capital: what is the Difference?; Adult Learning Commentary, No. 28.
- Fukuyama, F. (1997) Social Capital and the Modern Capitalist Economy: Creating a High Trust Workplace; Stern Business Magazine, 4(1).
- Gittell, M. 1998. Participation, social capital and community change. Paper presented at the Aspen Institute Roundtable on Comprehensive Community Initiatives, Project on Community Revitalization, June, New York.
- Green, W. (2001) Econometric Analysis; New York University, Fifth Edition.
- Grootaert, C. & Swamy, G. O. (2002), "Social Capital, Household Welfare and Poverty in Burkina Faso", Journal of African Economies, Vol. 11, PP. 4-38.
- Grootaert, C. and Bastelaert, T. (2002) The Role of Social Capital in Development; Cambridge Univ. Press.
- Kawachi I, Kennedy BP (1997). Health and social cohesion: why care about income inequality? BMJ. Apr 5;314(7086):1037-1040.
- Kozel, V. and B. Parker (2000). Integrated approaches to poverty assessment in India. In integrating Quantitative and Qualitative Research in Development Project, M. Bamberger. Washington, DC: World Bank.
- Lin, N. (2000) Social Resources and Social Action; N.Y: Cambridge University Press.
- Marcel Fafchamps, (2005). "Development and Social Capital," Economics Series Working Papers GPRG-WPS-007, University of Oxford, Department of Economics.
- Marcel Fafchamps, (2006). "Spontaneous Markets, Networks, and Social Capital: Lessons from Africa," Economics Series Working Papers GPRG-WPS-058, University of Oxford, Department of Economics.
- Munasib, A. (2005) Lifecycle of Social Networks: A Dynamic Analysis of Social Capital Formation, the Relationship between Human Capital and Social Capital, and the Importance of City Size; Ohio State University Dissertation Series, Ohio LINK Electronic Theses and Dissertation. Available at <http://www.ohiolink.edu/etd/view.cgi?osu1121441394>.
- Narayan, D, Chambers, R., Shah, M. K., and Petesch, P. (1999), 'Crying Out for Change', in Voices of the Poor, Vol. 2, World Bank, Oxford University Press, New York.
- Narayan, D. & D. Nyamwaya (1996). Learning from the Poor: A Participatory

- Poverty Assessment In Kenya.' Environment Department Papers 034, World Bank. Washington DC.
- Narayan, D. and L. Pritchett (1996) Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania; Policy Research Working Paper 1796. Washington DC: the World Bank.
- North, D. (1990) Institutional, Community-Social Capital and Public Life; American prospect.
- Portes, A. and J. Sense Brenner (1993) Embeddedness and Immigration: Notes on the Social Determinants of Economic Action; American Journal of Sociology, Vol. 98(6): 1320-50.
- Putnam, R. (1993) The Prosperous Community-Social Capital and Public Life; American Prospect 13, p.36.
- Putnam, R. (1993), "The Prosperous Community-Social Capital and Public Life" American Prospect 13, p.36.
- Putnam, R. (2000), Bowling Alone: the Collapse and Revival of American Community, Simon and Schuster, New York.
- Putnam, R. (2000) Bowling Alone: the Collapse and Revival of American Community; New York: Simon and Schuster.
- Rose, R (1998), "Getting Things done in an Anti-Modern Society: Social Capital Network in Russia", Social Capital Initiative Working Paper 8, World Bank, Social Development Department, Washington. D.C. Processed.
- Soumynananda Diana. (2007), "Social Capital in the Creation of Human Capital and Economic Growth: A Productive consumption approach", The Journal of Socio Economics, Soceco. 685, No. 14.
- Stone, W. (2001) Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life; Research Paper No. 24, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, available <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.html>
- Teachman, J & paasch, K & Carver, K. (1997), "Social Capital and the Generation of Human capital", Social Forces, Vol. 75, PP. 1343-1359.
- Woolcock, M (1998). Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework, Theory and Society 27 (2), 151-208.
- Woolcock, M. and Deepa Narayan (2000) Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy; Final version submitted to the World Bank Research Observer, To be Published in Vol. 15(2).
- World Bank (1997), "Expanding the Measure of Wealth: Indicators of Environmentally Sustainable Development", Environmentally Sustainable Development Studies and Monograph Series, No. 17, Washington D.C.